

تحلیل فضایی عوامل اجتماعی و فرهنگی پیشران و مانع آمایش و توسعه منطقه‌ای در استان خراسان شمالی

خدر فرجی‌راد، استادیار، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی تهران، ایران*
 غلامرضا کاظمیان، دانشیار گروه مدیریت شهری، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

چکیده

در دو دهه اخیر به نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در آمایش و توسعه منطقه‌ای توجه زیادی شده است و جذابیت مفاهیمی مانند سرمایه اجتماعی در آمایش و توسعه منطقه‌ای افزایش یافته است؛ بنابراین در چارچوب رویکرد آمایش سرزمین به شناسایی عوامل و عناصر اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر فرایند توسعه توجه می‌شود که یکی از گام‌های اساسی برنامه‌ریزی توسعه یک منطقه است. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که وضعیت فضایی استان خراسان شمالی از نظر عوامل اجتماعی و فرهنگی پیشران و مانع آمایش و توسعه منطقه‌ای چگونه است. برای پاسخ به سؤالات فوق از ترکیب روش‌های کیفی و پیمایشی استفاده شده است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه و آمار و اطلاعاتی صورت گرفته است که نهادها و اداره‌های استانی و شهرستانی در قالب سالنامه آماری استان منتشر کرده‌اند. براساس نتایج پژوهش، شهرستان‌های مختلف استان در زمینه شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی، وضعیت‌های متفاوتی را به نمایش می‌گذارند. در سطح کلان استان، مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی که به صورت عوامل پیشران عمل می‌کنند مثبت بودن برخی از مؤلفه‌های فرهنگ کار (مانند محوریت کار در زندگی با میانگین ۴/۵ از ۵ و ارزش کار با میانگین ۴/۴ از ۵) و سرمایه اجتماعی استان (مانند اعتماد با میانگین ۳/۳۹ از ۵ و صداقت با میانگین ۳/۱۲ از ۵) را شامل می‌شود. همچنین، تنزل منزلت اجتماعی کار با میانگین ۳۱/۲٪، وجود تعارضات مختلف در سطح استان (مانند تعارض جنسیتی با میانگین ۳۶٪، تعارض قومیتی در سطح محدود با میانگین ۲/۰۹ از ۵، تعارض و نابرابری اجتماعی با میانگین ۱۹/۳۶ از ۲۵، باور به وجود تبعیض در جامعه با میانگین ۱۹/۹٪، باور به وجود اختلاف و چنددستگی با میانگین ۲۱/۳٪ و باور به وجود افزایش فاصله طبقاتی با میانگین ۵۰/۵٪)، غلبه هویت و تعلق محلی (با میانگین ۴۲/۰۵٪) بر هویت و تعلق استانی و وضعیت نامطلوب بیشتر شاخص‌های سلبی سرمایه اجتماعی در سطح استان (بالابودن آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق، سرقت، اعتیاد و بیکاری) از مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی مانع آمایش و توسعه منطقه‌ای در استان خراسان شمالی هستند.

واژه‌های کلیدی: عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، پیشران، مانع، خراسان شمالی

مقدمه و بیان مسأله

در دو دهه اخیر، علاقه و توجه زیادی به نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در توسعه منطقه‌ای شکل گرفته است و جذابیت مفاهیمی مانند سرمایه اجتماعی در توسعه منطقه‌ای در مناطق توسعه‌یافته، توسعه‌نیافته و حاشیه افزایش یافته است (Callois & Auert, 2007: 810). در واقع هرچند پرداختن به مسائل اجتماعی و فرهنگی، پیشینه‌ای طولانی دارد؛ اما پرداختن به نقش این دو عامل در توسعه به‌ویژه در توسعه محلی و منطقه‌ای نسبتاً جدید بوده است. روند تحولات پارادایم‌های توسعه نشان می‌دهد از زمان شروع انتقاد به پارادایم‌های سنتی توسعه (بیشتر رویکردهای اقتصاد - محور رشد - محور)، نقش صاحب‌نظران و متکفوران با پیش‌زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی برجسته بوده است و در کارهای کلاسیک جامعه‌شناختی به نقش عوامل جامعه‌شناختی و فرهنگی در توسعه اقتصادی توجه شده است (ازجمله نک: وبر، ۱۳۷۳)؛ بااین‌حال، فرموله کردن نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در توسعه محلی و منطقه‌ای بیشتر از دهه ۱۹۹۰ آغاز شده است، به‌ویژه از سال ۲۰۰۰ به بعد تعداد چشمگیری از مطالعات وجود دارند که نشان می‌دهند عوامل اجتماعی و فرهنگی، مانع و پیشران توسعه در سطح محلی و منطقه‌ای است. این گروه از مطالعات در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نقش بی‌چون‌وچرای عوامل اجتماعی و فرهنگی را در توسعه نشان داده‌اند (ازجمله در این زمینه نک: Putnam, 1993: 163-181; Marek & Martinec, 2003: 580; Camagni, 2009: 118; Iyer et al, 2005: 1016; Sedlaced & Gaube, 2010: 122).

هم‌زمان با تحولات جهانی در پارادایم‌های توسعه و تغییر عوامل سخت به نرم در ایران نیز به نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در توسعه محلی و منطقه‌ای در کنار سایر عوامل (طبیعی، انسانی، اقتصادی و ...) توجه شده است؛ زیرا تجربه اجرای برنامه‌ریزی‌های توسعه مبتنی بر رویکرد بخشی و

عمدتاً متمایل به توسعه اقتصادی در کشور محدودیت‌های بسیاری را به وجود آورده که یکی از ابتدایی‌ترین اشکال مدیریت تغییرات اجتماعی و توسعه است و لزوم کنارگذاشتن آن و استفاده از رویکرد آمایش سرزمین را ایجاب کرده است. رویکرد آمایش سرزمین با نگاهی کل‌گرایانه، همه‌سونگر و بین‌رشته‌ای، در چارچوب توسعه یکپارچه فضایی، همه ابعاد توسعه را مدنظر داشته است و با رویکردی متوازن سعی دارد توسعه را به‌مثابه کلیتی واحد پژوهشگر کند. این شکل از برنامه‌ریزی به استفاده از اطلاعات مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی نیازمند است. درحقیقت، پیش‌زمینه برنامه‌ریزی با رویکرد آمایش سرزمین، تولید و استفاده از آمار و اطلاعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از جامعه مطالعه می‌شود تا امکان دستیابی به شناخت پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به‌صورت یک‌پارچه فراهم شود؛ زیرا تنها با شناختی بین‌رشته‌ای می‌توان از حاکمیت یک رشته بر مطالعات توسعه و در واقع از رویکرد بخشی در برنامه‌ریزی مانع شد.

براساس مباحث فوق و در چارچوب رویکرد آمایش سرزمین به تحلیل فضایی عوامل اجتماعی و فرهنگی پیشران و منابع آمایش و توسعه در سطح منطقه به‌عنوان یکی از گام‌های اساسی برنامه‌ریزی توسعه یک منطقه توجه می‌شود. بنابراین، این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که وضعیت فضایی استان خراسان شمالی از نظر عوامل اجتماعی و فرهنگی پیشران و مانع آمایش و توسعه منطقه‌ای چگونه است. باید اشاره کرد مرور ادبیات موجود در این زمینه نشان می‌دهد در ارتباط با نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در توسعه، مطالعات نظری و تجربی زیادی وجود دارد؛ اما در ارتباط با نقش این عوامل در برنامه‌ریزی آمایش و توسعه منطقه‌ای به‌ویژه استان خراسان شمالی مطالعه‌ای صورت نگرفته است.

چارچوب نظری

در دنیای امروز، توسعه یکی از فراگیرترین موضوعات جوامع بشری در راستای ارتقای کیفیت زندگی و رفاه انسان‌ها به‌خصوص در میان کشورهای در حال توسعه است. بخشی از این مسئله ناشی از ضرورت اجتناب‌ناپذیر رشد و پیشرفت و

^۱ ازجمله در این زمینه به شرح خدمات برنامه آمایش استان‌ها (۱۳۸۵) اشاره می‌شود که در آن می‌بایست مسائل اجتماعی و فرهنگی استان براساس شاخص‌های تعریف‌شده، مطالعه و نتایج آن در خروجی‌ها و برنامه‌های پیشنهادی آمایش استان استفاده شود.

در چارچوب تحول گفتمانی فوق، تئوری‌ها، مفاهیم و رویکردهای توسعه منطقه‌ای نیز متحول شده است و از رویکردهای مبتنی بر گفتمان پیشرفت در سطح مناطق (مانند نظریه رشد نئوکلاسیک همگرایی منطقه‌ای، قطب رشد و ...) به رویکردهای مبتنی بر گفتمان بازاندیشی (مانند توسعه پایدار منطقه‌ای، نهادگرایی، توسعه مشارکتی مناطق و ...) تحول پیدا کرده‌اند؛ درحالی که رویکردهای دسته اول بیشتر تک بُعدی و بر مسائل اقتصادی تمرکز داشتند. رویکردهای دسته دوم به مسائل اساسی تری مانند ابعاد اجتماعی، فرهنگی، نهادی و زیست محیطی نیز به صورت بنیادی توجه شده است (فرجی‌راد و کاظمیان، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۷). در چارچوب این تحول گفتمانی، روندی جهانی در زمینه توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی در راهبردهای توسعه منطقه‌ای به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰ وجود داشته است؛ روندی که براساس آن، شهرها و مناطق، راهبردهای توسعه فرهنگ / اجتماع - محور را به امید تقویت موقعیت رقابتی خود اتخاذ کرده‌اند (Miles & Paddison, 2005: 833-839) و به فرهنگ و عوامل اجتماعی توجه شده که منبعی مهم در استراتژی‌های توسعه روستایی، شهری و منطقه‌ای است (Oakes, 2006: 13-37). همچنین در چارچوب این تحول گفتمانی، رویکردهای برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای نیز تغییر و تحول یافته و از رویکردهای مبتنی بر عوامل سخت به رویکردهای مبتنی بر عوامل نرم تغییر یافته‌اند و همان‌طور که ولر و هاوگتون و کانسل بیان داشته‌اند رویکردهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای از رویکردهای مبتنی بر منطقه‌گرایی اکولوژیکی در اوایل قرن بیستم که مبتنی بر روش‌های برنامه‌ریزی جامع و کاملاً هنجاری و مکان‌محور بود به رویکردهای مبتنی بر منطقه‌گرایی جدید برنامه‌ریزی و توسعه در دهه ۱۹۹۰ تغییر یافته‌اند که بر نهادها و تعاملات غیراقتصادی مانند اعتماد، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی درون منطقه، رقابت‌پذیری مبتنی بر مجموعه توان‌های طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناطق متکی‌اند (Wheeler, 2002: 269; Houghton & Councell, 2004: 3). همچنین، مرور دو رویکرد اصلی آمایش سرزمین به لحاظ اهداف محتوایی، روش‌شناسی و شناخت منطقه برای دستیابی به طرح آمایش بیان‌کننده تحول از عوامل

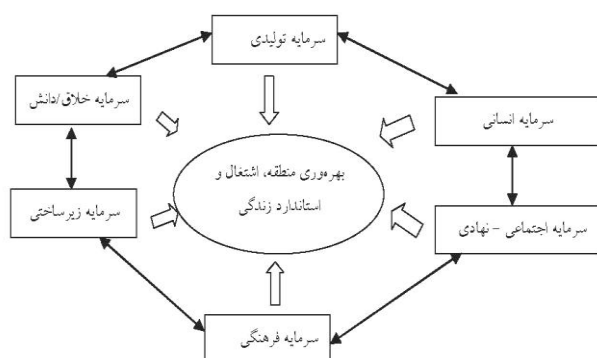
تلاش در راستای گام‌برداری از قافله روندهای جهانی است و بخش دیگر آن ناشی از موضوعات مشترکی مانند توجه به فقرا، مناطق حاشیه‌ای، محیط زیست، جنسیت و ... است که طیف وسیعی از مردم را درگیر و متأثر می‌کنند. توسعه در طول تاریخ خود تا به امروز به صورت یک دانش کاربردی با تحولات شگرفی مواجه شده است. از توسعه طی نیم قرن بیستم بیشتر به مثابه مفهومی اهدایی تلقی می‌شد و مکاتب نوسازی و مدرنیته بر آن تأثیر گذاشته است و برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده در این حوزه، بیشتر تحت تأثیر مباحث صرف علمی (خردگرایی، اثبات‌گرایی و ...) بود؛ درحالی که در اواخر قرن بیستم و اوایل سده حاضر، پارادایم توسعه به رویکردهای نرم‌تر روی خوش نشان داد و برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده در این حوزه متأثر از مفاهیم و نظریه‌های اجتماعی و سیاسی است. بنابراین، گذار از رویکرد سخت به رویکرد نرم و انسان‌محور بر جامعه بشری تأثیر گذاشت و با تجدیدنظر در باورها و اهداف خود مواجه شد و گرایش‌های نوینی در عرصه توسعه و توسعه‌نیافتگی پدیدار گشت (ازکیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۱). در چارچوب تحول از رویکردهای سخت به رویکردهای نرم در پارادایم‌های توسعه، مجموعه آثار توسعه در دو گفتمان کلان (۱) گفتمان پیشرفت و (۲) گفتمان بازاندیشی به صورت جدول شماره ۱ طبقه‌بندی می‌شود.

جدول ۱- دو گفتمان کلان توسعه

گفتمان پیشرفت	گفتمان بازاندیشی
- رویکرد تکامل‌گرایانه به توسعه	- رویکردی پویاگرایانه به توسعه
- تأکید بر بنیان‌های اقتصادی (و عمدتاً رشد اقتصادی)	- تأکید بر فرهنگ و بنیان‌های اجتماعی
- نگاه به توسعه به‌سان قانون آهنین و عام که زندگی همه انسان‌ها را در خواهد نوردید	- توسعه را فراتر از قاعده‌های از پیش تعیین‌شده و مشخص می‌داند
- تکیه به علم اقتصاد	- توسعه، قانون و قاعده مشخصی دارد
- توسعه، قانون و قاعده مشخصی دارد	- انسان و صفات بومی، تاریخی و فرهنگی موضوع اصلی این گفتمان است
- انسان و فرهنگ به‌عنوان عنصر مسلط	- انسان و فرهنگ به‌عنوان عنصر مسلط

منبع: نویسندگان به اقتباس از عنبری، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۶

دستیابی به برنامه‌های آمایش و توسعه منطقه‌ای تأکید می‌شود؛ به طوری که گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ با عنوان فرهنگ و توسعه محلی بر اهمیت عناصر فرهنگی و اجتماعی در توسعه محلی تأکید کرده است و تقویت سرمایه فرهنگی جوامع محلی را با آموزش و شیوه‌های کار پیشنهاد می‌کند؛ زیرا براساس این گزارش، اعتقاد بر آن است که تقویت سرمایه‌های فرهنگی جوامع محلی بر توسعه محلی و منطقه‌ای تأثیر سودمندی خواهد گذاشت (OECD, 2005). نقش و تأثیرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی در توسعه منطقه‌ای به گونه‌ای است که امروزه در الگوهای رقابت‌پذیری منطقه‌ای که در زمره الگوهای موفق توسعه منطقه‌ای قلمداد می‌شوند، عوامل اجتماعی و فرهنگی، عوامل پایه‌ای در کنار سایر عوامل تأثیرگذار بر توسعه منطقه‌ای قلمداد می‌شوند (Pike et al., 2006: 14 & Gardiner et al., 2006: 58; Martin et al., 2006: 5).



شکل ۱- سرمایه اجتماعی و فرهنگی به عنوان پایه‌های مزیت‌های

رقابتی منطقه‌ای (منبع: Martin et al., 2006: 5)

در میان عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر توسعه منطقه‌ای، یکی از مفاهیم اصلی در این حوزه، سرمایه اجتماعی است. به سرمایه اجتماعی^۲، بیشتر به صورت نوش‌داری برای مشکلات و مسائل اجتماعی توجه شده است. این مفهوم را متفکرانی همچون کلمن^۳ (1991)، پاتنام^۴ (2000)، فوکویاما^۵

سخت به عوامل نرم است؛ زیرا در رویکرد آمایش مبتنی بر برنامه‌ریزی کالبدی و کاربری زمین صرفاً توزیع فضایی و بارگذاری جمعیت و فعالیت براساس توان طبیعی سرزمین بدون توجه به سایر عوامل صورت می‌گیرد. در رویکرد آمایش سرزمین مبتنی بر برنامه‌ریزی راهبردی توسعه فضایی علاوه بر توجه به عوامل و بستر طبیعی که مبنای هر گونه طرح آمایشی است به عوامل، روابط و تعاملات غیرطبیعی مانند عوامل اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بسترهای حکمروایی نیز توجه می‌شود که عوامل اساسی در دستیابی به یک طرح درست و واقع‌گرایانه آمایشی است (جدول ۲).

جدول ۲- دو رویکرد اصلی آمایش سرزمین

رویکرد آمایشی مبتنی بر برنامه‌ریزی کالبدی و کاربری راهبردی توسعه فضایی	رویکرد آمایشی مبتنی بر زمین
• مجموعه عوامل طبیعی، اصلی دستیابی به طرح آمایش	• بستر و توان طبیعی، عامل
• فرآورده - محور: طرح کاربری زمین، محصول برنامه‌ریزی آمایش است.	• فرآیند - محور: دخالت‌دادن ضوابط و مقررات کاربری زمین، ابزار دستیابی به هدف اصلی آمایش سرزمین است؛ یعنی توزیع جمعیت و فعالیت در فضا
• پایه‌ای برنامه‌ریزی آمایشی	• فرآیند - محور: دخالت‌دادن مجموعه عوامل و نهادهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در فرایند برنامه‌ریزی آمایش
• کنشگران و محرک‌های برنامه‌های آمایشی	• نهادهای اجتماعی به‌عنوان کنشگران و محرک‌های برنامه‌های آمایشی
• رقابت‌پذیری مبتنی بر مجموعه ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی، طبیعی، اقتصادی و ...	• رقابت‌پذیری مبتنی بر مجموعه ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی، طبیعی، اقتصادی و ...
• مدیریت یک‌پارچه توسعه فضایی به‌عنوان ابزار دستیابی به اهداف آمایش	• مدیریت یک‌پارچه توسعه فضایی به‌عنوان ابزار دستیابی به اهداف آمایش

منبع: نگارندگان

بنابراین در چارچوب رویکردهای نوین آمایش سرزمین و توسعه منطقه‌ای بر نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در فرایند

¹ Organization of Economic Cooperation and Development

² social Capital

³ Coleman

⁴ Putnam

⁵ Fukuyama

چنددستگی، دورویی و تظاهر، روابط نامشروع، دزدی، کلاهبرداری، چاپلوسی، تملق و ... از این بُعد بررسی و تحلیل می‌شوند.

سرمایه اجتماعی کارآیی جامعه را با تسهیل اقدامات هماهنگ شده بهبود بخشیده است و با شکل بخشیدن به اقدام جمعی، ارتقای همکاری اجتماعی و روابط بین مردم، کاهش نبود اطمینان در روابط آنها و در نهایت با افزایش جریان اطلاعات و کاهش هزینه‌های دستیابی به اطلاعات نقش بنیادی در توسعه منطقه‌ای دارد (Camagni, 2009: 124).

همچنین در کنار مفهوم سرمایه اجتماعی، نظریه پردازان اقتصادی و اجتماعی استدلال کرده‌اند که فرهنگ با ایجاد انگیزه‌هایی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد که منجر به تلاش، صرفه‌جویی و کار زیاد می‌شود. با این نگاه، فرهنگ، رشد اقتصادی و در مفهوم فضایی آن توسعه پایدار منطقه‌ای را با تکیه بر انرژی انسانی، تلاش و کوشش در کار و دوری از عوامل منصرف‌کننده‌ای مانند اوقات فراغت، جنسیت و اشکال دیگر لذت بخش نامرتبط با کار تحریک می‌کند. براساس نظریه خلاقیت فلوریدا، نقش فرهنگ بسیار فراگیر است. انسان‌ها توانایی‌های بالقوه نامحدودی دارند و عامل عمده رشد اقتصادی این است که آن توانایی بالقوه را رها کند و به فعلیت برسانند. این رهایی به فرهنگی باز نیاز دارد؛ چنانکه میان افراد فرق نگذارند، آنها را در جعبه‌ای تحت فشار نگذارند و اجازه دهند انسان‌ها خودشان باشند و به اشکال مختلف هویت‌های خانوادگی و انسانی بها دهند؛ در این صورت، فرهنگ، خلاقیت انسان‌ها را تحت فشار قرار نمی‌دهد؛ بلکه ظهور و بروز آن را تسهیل و تحریک می‌کند؛ بنابراین، فرهنگ باز در سطح کلان، محرکی برای ابداع، مالکیت و توسعه است (فلوریدا، ۱۳۹۰: ۳۲).

روش پژوهش

در این مقاله برای پاسخ به سؤالات پژوهش از ترکیب روش‌های کیفی و پیمایشی استفاده شده است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه، آمار و اطلاعاتی صورت

(2001)، اسکیدمور^۱ (2001)، تایلور^۲ (2000) و رایدین و هولمن^۳ (2004) بسط داده و تشریح کرده‌اند (Evans et al., 2005: 14-19). سرمایه اجتماعی را به این صورت تعریف کرده است: سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌ها است که تعاملات بین مردم را شکل می‌دهد، نهادهایی که آنها را به هم پیوند می‌دهد، شبکه‌های ارتباطی تأسیس شده در میان بازیگران اجتماعی و به‌طور کلی همبستگی اجتماعی تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی مانند چسبی است که جامعه را به هم پیوند می‌دهد (Camagni, 2009: 126). در این میان، شاخص‌هایی مانند اعتماد و قابلیت اعتماد، مشارکت اجتماعی، همکاری‌های مدنی، همیاری، همکاری، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها (مدارا)، احساس امنیت، حمایت اجتماعی (مالی و عاطفی)، انسجام اجتماعی، صداقت و راستگویی و احساس اثرگذاری و کارآیی از جمله شاخص‌هایی هستند که نظریه‌پردازان متعددی در متون مختلف برای تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی به آن اشاره کرده‌اند (شعبانی و سلیمانی، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۹۹). همچنین از دیدگاهی دیگر، سرمایه اجتماعی از دو بُعد و برحسب دو گروه از شاخص‌ها بحث می‌شود (سیاهپوش، ۱۳۸۷: ۱۱۵-۱۰۵):

۱) بُعد ایجابی: این بُعد از سرمایه اجتماعی مبین شاخص‌هایی است که افزایش آنها جنبه مثبت داشته است و به منزله وجود سرمایه اجتماعی بالا در جامعه نگریسته می‌شود؛ از این منظر، شاخص‌هایی مانند اعتماد، مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، صداقت، ارزش‌های اجتماعی (مانند امانت‌داری، انصاف، خیرخواهی و ...)، همبستگی اجتماعی، قانون‌گرایی، رضایتمندی، هویت، تعلق و ... بحث و بررسی می‌شوند.

۲) بُعد سلبی: این بُعد از سرمایه اجتماعی مبین شاخص‌هایی است که وجود آنها جنبه منفی داشته است و به‌عنوان موانع شکل‌گیری و انباشت سرمایه اجتماعی عمل می‌کنند. از این منظر، بحث آسیب‌های اجتماعی (مانند اعتیاد، قتل، نزاع و مشاجره، خودکشی، طلاق و ...) به میان می‌آید. همچنین، وجود برخی مسائل اجتماعی مانند اختلاف و

¹ Skidmore

² Taylor

³ Rydin and Holman

⁴ Open Culture

ب) روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و نمونه‌گیری تصادفی ساده منظم: باتوجه‌به اینکه در هر کدام از شهرهای مراکز شهرستان‌های استان تعدادی نمونه باید انتخاب شوند که در مرحله قبل مشخص شد و این نمونه‌ها باید در سطح جغرافیایی شهر انتخاب شوند، بنابراین برای تسهیل و دقت کار از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. روش کار به این صورت بود که بر مبنای معابر اصلی هر شهر، شهر به چند منطقه اصلی تقسیم شد. سپس در داخل مناطق اصلی بر مبنای معابر فرعی به‌طور مجدد هر منطقه به چند محله تقسیم شده است و سپس بر مبنای روش نمونه‌گیری تصادفی ساده منظم، محله‌ها در هر منطقه انتخاب شدند. در داخل محله‌های انتخابی نیز بر مبنای روش نمونه‌گیری تصادفی ساده منظم، ۱ تا ۳ خیابان فرعی، انتخاب و مجدد از میان آنها بر مبنای نمونه‌گیری تصادفی ساده منظم، ۱ تا ۳ کوچه انتخاب شد. سپس مجدد از داخل هر کدام از کوچه‌های انتخاب‌شده بر مبنای روش تصادفی ساده منظم، دست‌کم یک پلاک ثبتی (واحد مسکونی) انتخاب شد.

چارچوب شاخص‌های تحلیل عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر توسعه منطقه‌ای: هدف از شناخت عوامل و فرایندهای فرهنگی و اجتماعی دستیابی به چارچوبی جامع از این عوامل در ارتباط با برنامه‌ریزی آمایش و توسعه استان است. شناخت این مهم در پرتو دسته‌بندی و شاخص‌سازی این عوامل امکان‌پذیر است. در پژوهش حاضر از چارچوب شاخص‌های پیشنهادی شناخت اجتماعی و فرهنگی برنامه آمایش استان‌ها استفاده شده که با رویکردی کاربردی تعریف شده است. گفتنی است دسته‌بندی و تعریف شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی در برنامه آمایش استان‌ها مبتنی بر زمینه‌های نظری و رویکردهای موجود در این زمینه بوده است (مرکز ملی آمایش سرزمین، ۱۳۸۵، ۸۱-۷۴). جدول شماره ۴ چارچوب مؤلفه‌ها و شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر آمایش و توسعه منطقه‌ای را نشان می‌دهد.

گرفته است که نهادها و ادارات استانی و شهرستانی در قالب سالنامه آماری استان منتشر کرده‌اند. گفتنی است اطلاعات بخش تجربی این مقاله با استفاده از مطالعات برنامه آمایش استان خراسان شمالی فراهم شده است.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری: برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. باتوجه‌به تعداد جمعیت استان، حجم نمونه ۳۸۴ نفری به دست آمد. باتوجه‌به اینکه از نمونه‌گیری سهمیه‌ای استفاده شده است، بنابراین در شهرستان‌هایی که حجم نمونه آنها تعداد کمی به دست آمده است حداقل ۳۰ پرسش‌نامه توزیع شد^۱. برای انتخاب نمونه‌ها باتوجه‌به گستردگی و پراکندگی جمعیت مطالعه‌شده از روش‌های نمونه‌گیری سهمیه، خوشه‌ای و تصادفی ساده منظم به‌صورت زیر استفاده شد:

الف) روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای: در این پژوهش از نمونه‌گیری سهمیه‌ای بر مبنای نسبت جمعیت شهرستان‌های استان از کل جمعیت استان استفاده شده است؛ بدین‌صورت که بر مبنای سهم جمعیتی شهرستان‌های استان، سهم هر شهرستان از تعداد کل نمونه‌ها به شرح جدول ۳ محاسبه شد.

جدول ۳- سهم شهرستان‌های استان از تعداد کل نمونه‌ها

شهرستان	تعداد جمعیت کل	نسبت از کل جمعیت	تعداد نمونه
اسفراین	۱۲۷۰۱۲	۱۴/۵۹	۵۶
بجنورد	۳۶۵۸۹۶	۴۲/۰۲	۱۶۱
جاجرم	۳۶۸۹۸	۴/۲۴	۱۶
گرمره	۲۷۵۹۹	۳/۱۷	۱۲
شیروان	۱۵۷۰۱۴	۱۸/۰۳	۶۹
فاروج	۵۲۳۶۴	۶/۰۱	۲۳
مانه و سملقان	۱۰۳۹۴۴	۱۱/۹۴	۴۶
راز و جرگلان	-	-	-
کل	۸۷۰۷۲۷	۱۰۰	۳۸۴

* تعداد نمونه‌های شهرستان راز و جرگلان با شهرستان بجنورد محاسبه شده است. علاوه بر ۱۶۱ پرسش‌نامه توزیع‌شده در شهر بجنورد، ۳۰ پرسش‌نامه نیز در شهر راز توزیع شد.

^۱ پرسش‌نامه‌ها صرفاً در شهرهای مرکز شهرستان توزیع شدند.

جدول ۴- چارچوب شاخص‌های تحلیل عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر آمایش و توسعه منطقه‌ای

عوامل	مؤلفه‌های اصلی	شاخص‌ها
فرهنگ کار	اهمیت و محوریت کار در زندگی	کار به‌عنوان یک ارزش
فرهنگ کار	منزلت اجتماعی کار	رواج روش‌های غیراخلاقی جمع‌آوری ثروت و رقابت در محیط کار
میل به پیشرفت و یادگیری	میل به پیشرفت	میل به یادگیری
فرهنگی	احساس تعارض و نابرابری اجتماعی	احساس تعارض و نابرابری اجتماعی
تعارضات	احساس تعارض و نابرابری قومیتی	باور به وجود اختلاف و چنددستگی در جامعه
میزان باسوادی	باور به وجود تبعیض در جامعه	تلقی فرد درباره وضعیت طبقاتی خود و جامعه
میزان باسوادی	تعارض و نابرابری جنسیتی	نسبت تفاوت میزان باسوادی زنان و مردان
مسائل و آسیب‌های اجتماعی (به‌عنوان بُعد سلبی سرمایه اجتماعی)	نسبت تفاوت میزان باسوادی شهری و روستایی	اعتیاد
اجتماعی	طلاق	روابط نامشروع ^۱
هویت و تعلق	دزدی	نامنی
سرمایه اجتماعی	تعلق محلی	تعلق منطقه‌ای
	تعلق	جدایی‌گزینی قومیتی
		ادغام زبانی ^۲
		اعتماد
		صداقت
		همیاری
		شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی غیررسمی
		همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها

معرفی اجمالی منطقه مطالعاتی

استان خراسان شمالی یکی از جدیدترین استان‌های ایران است که از تقسیم استان خراسان سابق در سال ۱۳۸۳ به وجود آمده است. این استان، تاریخی از دوره میان‌سنگی در منطقه جاجرم و سکونت اقوام آریایی یعنی «پارت‌ها» دارد. ترکیب قومیت‌های ساکن در پهنه‌ای با وسعت خراسان شمالی دست‌کم در ایران کم‌نظیر است؛ چنانکه ترکیب قومی بجنورد یعنی کرد کرمانج، ترک، ترکمن، فارس، تات، بلوچ و عرب اختلاف‌ناچیزی با ترکیب قومی ایران زمین دارد. به‌طور کلی، منطقه خراسان شمالی، بخشی از پیکره خراسان بزرگ در ادوار مختلف تاریخی است و باتوجه‌به ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی خود، همواره محل تلاقی و آمیختگی فرهنگ‌های مختلف بوده است و همین امر باعث شده است این منطقه از گذشته‌های دور، خصلتی چندفرهنگی، چندقومیتی و چندزبانی داشته باشد. چنین آمیختگی و امتزاج قومی، زبانی و گروهی به تبع بر جنبه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی آن تأثیر گذاشته است (مهندسین مشاور آمایش و توسعه البرز، ۱۳۹۴: ۱۲).

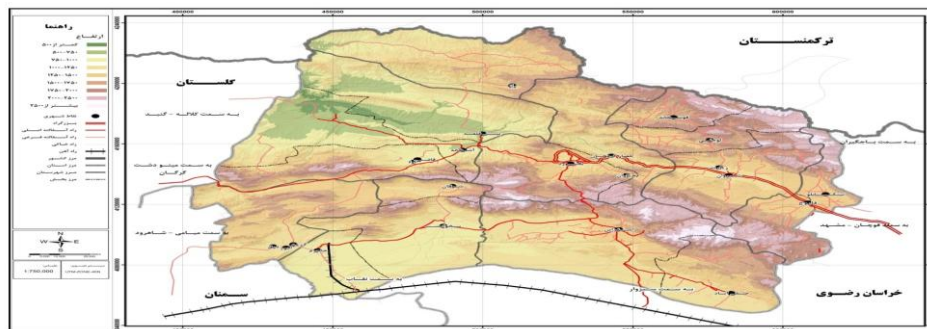
ساختار و استخوان‌بندی اصلی عوارض و ناهموارهای زمین در استان خراسان شمالی از دو رشته کوه به نام‌های کپه داغ در شمال استان و آلاداغ در مرکز و جنوب استان تشکیل شده است. این دو رشته کوه به‌صورت موازی در امتداد شمال غربی - جنوب شرقی و در برخی موارد شرقی - غربی، دره ناودیسی بزرگی در بین خود تشکیل داده است که از مشهد تا دشت گرگان ادامه می‌یابد. این دره در شرق استان ابتدا باریک و سپس هرچه به مرز استان گلستان نزدیک‌تر می‌شود وسعت می‌گیرد و پهن‌تر می‌شود. شهرهای اصلی و مهم استان از جمله شهر بجنورد و شیروان نیز در همین دره ناودیسی استقرار یافته‌اند. شبکه راه اصلی استان از همین دره ناودیسی عبور می‌کند که محور اتصال سواحل دریای خزر به خراسان رضوی و شهر مشهد است؛ بنابراین، مورفولوژی و شکل ناهمواری زمین در استان خراسان شمالی به‌صورت دو توده کوهستانی در شمال (کپه داغ) و بخش میانی استان (آلاداغ) بالا رفته و در بین خود یک دره ناودیسی شرقی - غربی شکل داده که تعیین‌کننده سازمان فضایی این استان است. ریخت‌شناسی بخش جنوبی استان نیز از همین دو رشته کوه متأثر است. در این

^۱ اطلاعات این شاخص به‌دلیل حساسیت‌های عمومی در مقاله حاضر منعکس نشده است.

^۲ باتوجه‌به تنوع قومی و زبانی استان، این شاخص را نویسندگان به شاخص‌ها اضافه کردند.

استان خراسان شمالی از شمال با کشور ترکمنستان، از شرق و جنوب با استان خراسان رضوی، از جنوب غرب با استان گلستان و از غرب و شمال غرب با استان گلستان هم‌جوار است. همچنین در حال حاضر، استان خراسان شمالی از هفت شهرستان اسفراین، بجنورد، جاجرم، گرمه، شیروان، فاروج، مانه و سملقان و راز و جرگلان است (نقشه ۱).

بخش از استان نیز که رشته کوه آلاداغ در بخش میانی استان به فرورفتگی فلات مرکزی ایران ختم می‌شود، یک دشت دامنه‌ای در جنوب آن شکل گرفته که به موازات دره ناودیسی گفته شده در بین جاجرم - گرمه تا اسفراین کشیده شده است و جهت شرقی - غربی دارد و همانند آن دره شیب زمین از شرق به غرب جهت گیری می‌کند.



نقشه ۱- موقعیت جغرافیای و ساختار طبیعی استان

است. گفتنی است در یک شاخص ممکن است به‌طور کلی وضعیت مطلوبی در سطح استان و شهرستان‌ها وجود نداشته باشد؛ اما در هر صورت در همین شرایط نامطلوب نیز شهرستان‌هایی وجود دارند که نسبت به میانگین استان، وضعیت مطلوب‌تری را نشان می‌دهند. در این مقایسه در ارتباط با هر شاخص براساس وضعیتی که شهرستان نسبت به میانگین استان دارد، یکی از پنج وضعیت به‌صورت جدول ۵ ممکن است وجود داشته باشد.

یافته‌های پژوهش

برای دسته‌بندی منظم یافته‌های پژوهش و همچنین با هدف ترسیم سیمایی روشن از وضعیت فرهنگی و اجتماعی استان براساس شاخص‌های بررسی شده در راستای شناخت عوامل فرهنگی و اجتماعی پیشران و مانع توسعه استان، نتایج به تفکیک شهرستان‌ها و با مقایسه شهرستان‌ها با هم و با میانگین استانی ارائه شده است. در این مقایسه، مبنای تشخیص وضعیت مطلوب یا نامناسب، میانگین کمی است که درخصوص هر شاخص برای استان محاسبه و به دست آمده

جدول ۵- انواع وضعیت‌های ممکن برای هر کدام از شهرستان‌ها به تفکیک هر کدام از شاخص‌ها

وضعیت مطلوب‌تر نسبت به وضعیت میانگین استان و مطلوب‌ترین در کل استان	وضعیت مطلوب‌تر نسبت به میانگین استان	وضعیت نسبتاً مشابه یا همسطح میانگین استان	وضعیت مطلوب‌تر نسبت به میانگین استان	وضعیت مطلوب‌تر نسبت به وضعیت میانگین استان و مطلوب‌ترین در کل استان
++	-	-	+	شناسه

باید اشاره کرد در ارتباط با شاخص‌های مختلف، تشخیص وضعیت مطلوب یا نامطلوب نسبت به جهت کاهشی یا افزایشی شاخص متفاوت است؛ به عبارت دیگر در یک شاخص ممکن است بالاتر بودن میانگین آن شاخص در

شهرستان نسبت به میانگین استان، وضعیت مطلوب‌تر قلمداد شود (به‌طور مثال شاخص اهمیت و محوریت کار در زندگی در بخش شاخص‌های فرهنگی یا شاخص اعتماد در بخش سرمایه اجتماعی) و در شاخصی دیگر پایین‌تر بودن میانگین

جدول ۶ ساختار فضایی - فرهنگی استان را براساس شاخص‌های فرهنگی و جدول شماره ۷ ساختار فضایی - اجتماعی استان براساس شاخص‌های شناخت مسائل اجتماعی و سرمایه اجتماعی ترسیم کرده است.

آن شاخص در شهرستان نسبت به میانگین استان، وضعیت مطلوب قلمداد شود (به‌طور مثال شاخص رواج روش‌های غیراخلاقی جمع‌آوری ثروت و رقابت در محیط کار در بخش شاخص‌های فرهنگی یا شاخص جدایی‌گزینی قومیتی در بخش شاخص‌های هویت و تعلق).

جدول ۶- یافته‌های پژوهش درخصوص شاخص‌های فرهنگی تأثیرگذار بر توسعه استان

شهرستان	فرهنگ کار		میل به پیشرفت و یادگیری		اهمیت و محوریت کار در زندگی	کار به‌عنوان یک ارزش	منزلت اجتماعی کار	رواج روش‌های غیراخلاقی جمع‌آوری ثروت	میل به یادگیری	میل به پیشرفت	باور به تأثیرگذاربودن
	میل به پیشرفت و یادگیری	میل به یادگیری	میل به پیشرفت	میل به یادگیری							
اسفراین	+	+	++	+	+	++	+	+	-	++	++
بجنورد	+	=	-	--	-	-	--	+	-	+	=
جاجرم	-	-	-	+	-	--	+	-	++	-	-
گرمه	-	+	-	+	+	-	+	=	=	+	+
شیروان	=	=	+	+	+	+	+	-	+	-	-
فاروج	-	=	+	=	-	+	=	-	+	-	--
مانه و سملقان	-	=	-	+	-	-	+	-	-	-	+
راز و جرگلان	-	=	--	+	-	--	+	-	+	--	-
استان	میانگین استان: ۴/۴۵ از ۵	میانگین استان: ۴/۴ از ۵	میانگین استان: ۳۱/۲٪	میانگین استان: ۱۴/۲۲ از ۲۰	میانگین استان: ۲/۹۵ از ۵	میانگین استان: ۲۳/۵٪	میانگین استان: ۵۸/۳۵٪				

تعارضات

شهرستان	تعارض و نابرابری اجتماعی	احساس تعارض و نابرابری قومیتی	باور به وجود چنددستگی در جامعه	باور به وجود تبعیض در جامعه	تلقی فرد درباره وضعیت طبقاتی خود و جامعه	تعارض و نابرابری جنسیتی	مراکز فرهنگی
اسفراین	-	-	-	+	++	+	+
بجنورد	=	+	+	++	+	-	-
جاجرم	--	--	+	-	-	+	+
گرمه	++	++	--	--	-	-	++
شیروان	-	=	-	-	-	+	--
فاروج	-	-	-	-	-	+	+
مانه و سملقان	+	=	++	=	-	--	=
راز و جرگلان	+	+	-	+	--	++	*
استان	میانگین استان: ۱۹/۳۶ از ۲۵	میانگین استان: ۲/۰۹ از ۵	میانگین استان: ۲۱/۳٪	میانگین استان: ۱۹/۹٪	میانگین استان: ۵۰/۵٪	میانگین استان: ۳۶٪	میانگین استان: ۱/۶۸ مرکز فرهنگی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت

* در شاخص مراکز فرهنگی، شهرستان راز و جرگلان با شهرستان بجنورد محاسبه شده است.

جدول ۷- یافته‌های پژوهش در خصوص شاخص‌های اجتماعی تأثیرگذار بر توسعه استان

شاخص شهرستان	میزان باسواد		مسائل و آسیب‌های اجتماعی			
	نسبت تفاوت میزان باسواد زنان و مردان	نسبت تفاوت میزان باسواد شهری و روستایی	اعتیاد	طلاق	دزدی	ناامنی
اسفراین	-	--	+	++	-	--
بجنورد	-	+	++	+	+	++
جاجرم	+	-	-	-	--	=
گره	++	++	--	-	+	-
شیروان	+	=	-	-	-	=
فاروج	-	+	-	-	-	=
مانه و ...	--	+	--	+	++	+
راز و ...	*	*	-	--	+	-
استان	میانگین استان: ۱۰/۰۸٪	میانگین استان: ۱۵/۳۷٪	میانگین استان: ۱۴/۴٪	میانگین استان: ۱۷/۹٪	میانگین استان: ۲۳/۳٪	میانگین استان: ۲۸/۸٪

* در شاخص میزان باسواد، شهرستان راز و جرگلان با بجنورد محاسبه شده است.

ادامه جدول ۷- یافته‌های پژوهش در خصوص شاخص‌های اجتماعی تأثیرگذار بر توسعه استان

شاخص شهرستان	هویت و تعلق		سرمایه اجتماعی				
	دخام زبانی ^۱	تعلق محلی	تعلق منطقه‌ای	تعلق ملی	تعلق جهانی	تعلق بین‌المللی	شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی غیررسمی
اسفراین	-	-	++	-	++	+	++
بجنورد	=	--	-	+	=	--	-
جاجرم	++	+	--	--	--	-	+
گره	++	+	++	-	+	+	--
شیروان	=	++	-	-	=	+	-
فاروج	--	+	-	-	+	+	+
مانه و ...	+	+	+	++	+	++	=
راز و ...	+	+	-	+	-	+	-
استان	میانگین استان: ۳۶/۲٪	میانگین استان: ۴۲/۰۵٪	میانگین استان: ۳۹/۹٪	میانگین استان: ۳۷/۱۵٪	میانگین استان: ۳۹/۵٪	میانگین استان: ۳/۱۲٪	میانگین استان: ۲۹/۰۵٪

^۱ نتایج این ستون براساس عدد به‌دست‌آمده از جمع درصد پاسخ‌گویان غیرفارس در هر شهرستان منهای جمع درصد پاسخ‌گویانی استنتاج شده است که با زبان قومی خود صحبت کرده‌اند.

را در برخی زمینه‌ها دچار گسست کند. به طور مثال شهرستان اسفراین که بخش‌های زیادی از جنوب شرقی استان را دربرگرفته است در بسیاری از شاخص‌ها تفاوت‌هایی را با شهرستان‌های همجوار خود نشان می‌دهد؛ البته این تفاوت‌ها تا حدودی با توجه به ساختار طبیعی منطقه تبیین می‌شود که این شهرستان را از شهرستان‌های شمالی استان به صورت نسبی مجزا ساخته است. در هر صورت، براساس جدول‌های بالا، حوزه‌بندی حدودی ساختار فضایی فرهنگی و اجتماعی استان به تفکیک شاخص‌ها به صورت جدول ۸ ارائه و جمع‌بندی شده است.

حوزه‌بندی فضایی وضعیت اجتماعی - فرهنگی استان براساس شاخص‌های بررسی شده: سیمای کلی ساختار فضایی فرهنگی و اجتماعی استان که در جدول شماره ۶ و ۷ ترسیم شده‌اند نشان‌دهنده این موضوع است که براساس مجموعه شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی، استان الگوی مشخصی را در زمینه فرهنگی و اجتماعی به صورت فضایی بازتاب نمی‌دهد؛ اما به تفکیک شاخص‌ها به حوزه‌هایی حدودی دست می‌یابد. هرچند باید اشاره کرد نتایج به تفکیک شهرستان ارائه شده است؛ بنابراین، وضعیت خاص هر شهرستان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، مدیریتی، سیاسی و طبیعی توانسته است ساختار فضایی فرهنگی اجتماعی استان

جدول ۸- حوزه‌بندی حدودی ساختار فضایی فرهنگی و اجتماعی استان براساس شاخص‌ها

شاخص	پراکنش فضایی و حوزه‌بندی حدودی در مقیاس فضایی استان
فرهنگ کار	- در نیمه شرقی استان به طور کلی وضعیت مطلوب‌تر (در اسفراین) یا نسبتاً مشابه استان (در شیروان) یا همسطح میانگین استان (در فاروج) مشاهده می‌شود. - در نیمه جنوب غربی استان وضعیت نامناسب‌تر (در جاجرم) و نسبتاً مشابه (گره) میانگین استان مشاهده می‌شود.
میل به پیشرفت و یادگیری	- در مرکز، غرب و شمال غرب استان مشتمل بر شهرستان‌های بجنورد، مانه، سملقان، راز و جرگلان وضعیت نسبتاً مشابه یا کمی نامناسب‌تر مشاهده می‌شود. - الگوی پراکنش فضایی و حوزه‌بندی مشخصی برای این شاخص استخراج نمی‌شود؛ اما در غرب (مانه و سملقان) و جنوب غرب (گره) استان وضعیت نامناسب‌تر و نسبتاً مشابه میانگین استان مشاهده می‌شود.
ب‌اور به تأثیرگذار بودن	- در بخشی از نیمه شرقی استان وضعیت نامناسب‌تر مشاهده می‌شود (شیروان و فاروج). - در جنوب شرقی وضعیت مطلوب‌تر مشاهده می‌شود. - در مرکز استان وضعیت نسبتاً مشابه میانگین استان مشاهده می‌شود. - در غرب (مانه و سملقان) و جنوب غرب (گره) وضعیت مطلوب‌تر مشاهده می‌شود.
تعارضات	- سایر بخش‌های استان الگوی مشخصی ارائه نمی‌دهد. - در بخشی از نیمه شرقی وضعیت نامناسب‌تر مشاهده می‌شود (شیروان و فاروج). - در مرکز، شمال غرب و غرب استان وضعیت مطلوب‌تر (بجنورد) و تا حدودی مشابه و مطلوب‌تر (راز، جرگلان، مانه و سملقان) مشاهده می‌شود. - در جنوب غربی استان (جاجرم و گره) در مجموعه وضعیت نامناسب‌تری نسبت به میانگین استان مشاهده می‌شود.
وسایل فرهنگی	- اسفراین در سه شاخص از ۶ شاخص تعارضات وضعیت مطلوب‌تر و در ۳ شاخص وضعیت نامناسب‌تر را نسبت به میانگین استان نشان می‌دهد و بنابراین براساس این شاخص یک حوزه فضایی جداست.
میزان باسوادی	- نیمه جنوبی، شرق و غرب استان (جاجرم، گره، اسفراین، فاروج، مانه و سملقان) وضعیت مطلوب‌تری را نسبت به میانگین استان نشان می‌دهد. - مرکز، شمال غرب و بخش درخور توجهی از نیمه شرقی استان (بجنورد، راز، جرگلان و شیروان) وضعیت نامناسب‌تری را نشان می‌دهند.
آسیب‌های اجتماعی	- الگوی پراکنش فضایی و حوزه‌بندی مشخصی برای این شاخص استخراج نمی‌شود. - مرکز و غرب استان (بجنورد، مانه و سملقان) وضعیت بسیار مطلوب‌تری نسبت به میانگین استان نشان می‌دهند. - نیمه جنوبی و شرقی (با تفاوتی اندک) وضعیت نامناسب‌تری را نسبت به میانگین استان نشان می‌دهند.
هویت و تعلق	- شمال غرب، غرب و جنوب غرب (راز، جرگلان، مانه، سملقان و گره) به طور کلی وضعیت مطلوب‌تری مشاهده می‌شود. - در جنوب شرق و شرق (اسفراین و فاروج) به طور کلی وضعیت نامناسب‌تری مشاهده می‌شود.
سرمایه اجتماعی	- برای سایر بخش‌های استان، محدوده مشخصی تصویر نمی‌شود؛ با این حال در بجنورد، شیروان و جاجرم در مجموع وضعیت نسبتاً مشابه میانگین استان تصویر می‌شود. - اسفراین یک حوزه کاملاً مشخص در زمینه سرمایه اجتماعی با وضعیت بسیار مطلوب‌تر نسبت به میانگین استان است. - در غرب استان (مانه و سملقان) حوزه مشخص با وضعیت مطلوب‌تر تشخیص داده می‌شود. - در سایر بخش‌های استان حوزه مشخصی ترسیم نمی‌شود.

بحث و نتیجه

یافته‌های به‌دست‌آمده گویای تفاوت‌های درخور توجه در بین شهرستان‌های استان در زمینه عوامل اجتماعی و فرهنگی پیشران و مانع آمایش و توسعه منطقه‌ای است؛ به‌طوری‌که نتایج کمی به‌دست‌آمده برای یک شاخص ممکن است در شهرستانی آن را در گروه عوامل پیشران قرار دهد؛ درحالی‌که

همان شاخص ممکن است در شهرستانی دیگر در گروه عوامل مانع جای گرفته باشد. بدین‌صورت در پاسخ به این سؤال که وضعیت فضایی استان خراسان شمالی از نظر عوامل اجتماعی و فرهنگی پیشران و مانع آمایش و توسعه منطقه‌ای چگونه است. نتایج به‌صورت جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹- وضعیت عوامل اجتماعی و فرهنگی پیشران و مانع آمایش و توسعه منطقه‌ای در سطح استان خ.ش

شهرستان	عوامل پیشران	عوامل مانع
اسفراین	منزلت اجتماعی کار، میل به پیشرفت، باور به تأثیرگذاربودن، تلقی فرد درباره وضعیت طبقاتی خود و جامعه، طلاق، تعلق منطقه‌ای، اعتماد، همیاری و شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی غیررسمی، اهمیت و محوریت کار در زندگی، کار به‌عنوان یک ارزش، رواج روش‌های غیراخلاقی جمع‌آوری ثروت، اعتیاد، صداقت، باور به وجود تبعیض در جامعه، تعارض و نابرابری جنسیتی، مراکز فرهنگی	میل به یادگیری، تعارض و نابرابری اجتماعی، احساس تعارض و نابرابری قومیتی، باور به وجود اختلاف و چنددستگی در جامعه، نسبت تفاوت میزان باسوادی زنان و مردان، دزدی، تعلق محلی، ادغام زبانی و جدایی‌گزینی قومیتی، تفاوت میزان باسوادی شهری و روستایی، ناامنی و همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها
بجنورد	باور به وجود تبعیض در جامعه، اعتیاد، ناامنی، اهمیت و محوریت کار در زندگی، میل به پیشرفت، باور به وجود اختلاف و چنددستگی در جامعه، احساس تعارض و نابرابری قومیتی، تلقی فرد درباره وضعیت طبقاتی خود و جامعه، نسبت تفاوت میزان باسوادی شهری و روستایی، طلاق، دزدی، جدایی‌گزینی قومیتی، همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها	منزلت اجتماعی کار، میل به یادگیری، تعارض و نابرابری جنسیتی، مراکز فرهنگی، نسبت تفاوت میزان باسوادی زنان و مردان، تعلق منطقه‌ای، شکل‌گیری، شبکه‌های حمایتی غیررسمی، رواج روش‌های غیراخلاقی جمع‌آوری ثروت، تعلق محلی، صداقت
جاجرم	میل به یادگیری، ادغام زبانی، همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها، رواج روش‌های غیراخلاقی جمع‌آوری ثروت، باور به وجود اختلاف و چنددستگی در جامعه، تعارض و نابرابری جنسیتی، مراکز فرهنگی، نسبت تفاوت میزان باسوادی زنان و مردان، تعلق محلی، شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی غیررسمی	اهمیت و محوریت کار در زندگی، کار به‌عنوان یک ارزش، میل به پیشرفت، باور به تأثیرگذاربودن، باور به وجود تبعیض در جامعه، تلقی فرد درباره وضعیت طبقاتی خود و جامعه، نسبت تفاوت میزان باسوادی شهری و روستایی، اعتیاد، صداقت، منزلت اجتماعی کار، تعارض و نابرابری اجتماعی، احساس تعارض و نابرابری قومیتی، دزدی، تعلق منطقه‌ای، جدایی‌گزینی قومیتی، اعتماد، همیاری
گره	تعارض و نابرابری اجتماعی، احساس تعارض و نابرابری قومیتی، مراکز فرهنگی، نسبت تفاوت میزان باسوادی زنان و مردان، نسبت تفاوت میزان باسوادی شهری و روستایی، ادغام زبانی، تعلق منطقه‌ای، کار به‌عنوان یک ارزش، رواج روش‌های غیراخلاقی جمع‌آوری ثروت، باور به تأثیرگذاربودن، دزدی، تعلق محلی، اعتماد، صداقت، همیاری، همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها	اهمیت و محوریت کار در زندگی، منزلت اجتماعی کار، تلقی فرد درباره وضعیت طبقاتی خود و جامعه، تعارض و نابرابری جنسیتی، طلاق، ناامنی، جدایی‌گزینی قومیتی، باور به وجود تبعیض در جامعه، اعتیاد، شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی غیررسمی
شیروان	تعلق محلی، منزلت اجتماعی کار، رواج روش‌های غیراخلاقی، جمع‌آوری ثروت، میل به یادگیری، تعارض و نابرابری جنسیتی، نسبت تفاوت میزان باسوادی زنان و مردان، همیاری	میل به پیشرفت، باور به تأثیرگذاربودن، تعارض و نابرابری اجتماعی، باور به وجود اختلاف و چنددستگی در جامعه، باور به وجود تبعیض در جامعه، تلقی فرد درباره وضعیت طبقاتی خود و جامعه، اعتیاد، طلاق، دزدی، تعلق منطقه‌ای، جدایی‌گزینی قومیتی، اعتماد، شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی غیررسمی، مراکز فرهنگی

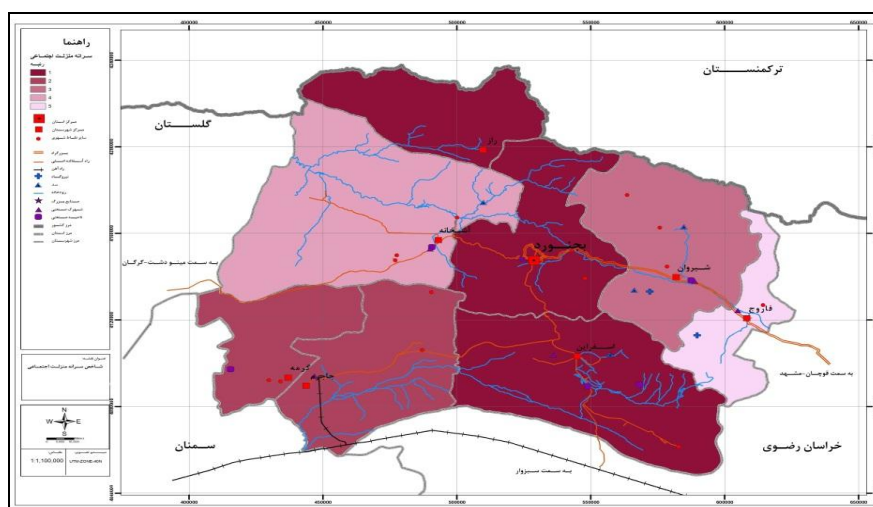
<p>اهمیت و محوریت کار در زندگی، میل به پیشرفت، تعارض و نابرابری اجتماعی، احساس تعارض و نابرابری قومیتی، باور به وجود اختلاف و چنددستگی در جامعه، باور به وجود تبعیض در جامعه، تلقی فرد درباره وضعیت طبقاتی خود و جامعه، نسبت تفاوت میزان باسوادی زنان و مردان، اعتیاد، طلاق، دزدی، تعلق منطقه‌ای، جدایی‌گزینی قومیتی، اعتماد همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها، باور به تأثیرگذار بودن، ادغام زبانی</p>	<p>منزلت اجتماعی کار، میل به یادگیری، تعارض و نابرابری جنسیتی، مراکز فرهنگی، نسبت تفاوت میزان باسوادی شهری و روستایی، تعلق محلی، صداقت، شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی غیررسمی</p>	<p>فاروج</p>
<p>اهمیت و محوریت کار در زندگی، منزلت اجتماعی کار، میل به پیشرفت، میل به یادگیری، تلقی فرد درباره وضعیت طبقاتی خود و جامعه، تعارض و نابرابری جنسیتی، نسبت تفاوت میزان باسوادی زنان و مردان، اعتیاد</p>	<p>باور به وجود اختلاف و چنددستگی در جامعه، دزدی، جدایی‌گزینی قومیتی، صداقت، رواج روش‌های غیراخلاقی جمع‌آوری ثروت، باور به تأثیرگذار بودن، تعارض و نابرابری اجتماعی، نسبت تفاوت میزان باسوادی شهری و روستایی، طلاق، ناامنی، ادغام زبانی، تعلق محلی، تعلق منطقه‌ای، همیاری</p>	<p>مانه و سملقان</p>
<p>اهمیت و محوریت کار در زندگی، باور به تأثیرگذار بودن، باور به وجود اختلاف و چنددستگی در جامعه، ناامنی، تعلق منطقه‌ای، اعتماد، شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی غیررسمی، منزلت اجتماعی کار، میل به پیشرفت، تلقی فرد درباره وضعیت طبقاتی خود و جامعه، طلاق</p>	<p>تعارض و نابرابری جنسیتی، رواج روش‌های غیراخلاقی جمع‌آوری ثروت، میل به یادگیری، تعارض و نابرابری اجتماعی، احساس تعارض و نابرابری قومیتی، باور به وجود تبعیض در جامعه، دزدی، ادغام زبانی، تعلق محلی، جدایی‌گزینی قومیتی، صداقت، همیاری</p>	<p>راز و جرگلان</p>

* ملاک تشخیص عوامل، پیشران یا مانع، مقادیر کمی آنها نسبت به میانگین استان بوده است.

منزلت اجتماعی شهرستان‌های استان نیز تبیین می‌شود. این مقوله که از ترکیب شاخص‌های ارزش سرانه تحصیلی و شاخص ارزش سرانه شغلی محاسبه و به دست آمده، بازگوکننده تفاوت در وضعیت اجتماعی و فرهنگی شهرستان‌های استان است؛ به طوری که براساس میزان‌های به دست آمده برای سرانه منزلت اجتماعی به تفکیک شهرستان، شهرستان‌های بجنورد (با اطلاعات قبل از جدا شدن بخش راز و جرگلان از آن) و اسفراین بیشترین سرانه منزلت اجتماعی را در سطح استان دارند. بعد از شهرستان‌های بجنورد و اسفراین، شهرستان‌های جاجرم و گرمه رتبه‌های بعدی را از نظر سرانه منزلت اجتماعی دارند. شهرستان‌های فاروج در شرق استان و مانه و سملقان در غرب استان نیز حوزه‌های کاملاً مشخص از نظر سرانه منزلت اجتماعی هستند (نقشه ۲).

براساس جدول بالا بین شهرستان‌های استان در زمینه عوامل اجتماعی و فرهنگی تفاوت‌های زیادی وجود دارد. تفاوت این امر را باید در عوامل و موقعیت جغرافیایی و طبیعی استان، ریشه‌های تاریخی و فرهنگی و اجتماعی استان، تنوع قومی و زبانی، میزان ارتباط شهرستان به محیط بیرون از خود، برنامه‌های توسعه و سطح توسعه‌یافتگی استان و ... جستجو کرد. به طور مثال براساس موقعیت جغرافیایی و ساختار طبیعی استان، شهرستان‌های نیمه جنوبی استان مانند اسفراین، جاجرم و گرمه که به لحاظ ساختار طبیعی استان نیز از شهرستان‌های نیمه شمالی استان جدا گشته‌اند وضعیت‌های متفاوت تری را از نظر عوامل اجتماعی و فرهنگی به نمایش می‌گذارند.

نتایج به دست آمده در زمینه عوامل اجتماعی و فرهنگی پیشران و مانع آمایش و توسعه منطقه‌ای براساس مقوله سرانه



نقشه ۲- سرنانه منزلت اجتماعی در سطح استان خراسان شمالی

فرهنگی این مقوله کاسته است.

۲) در حوزه اجتماعی، مهم‌ترین عامل پیشران آمایش و توسعه، سرمایه اجتماعی بالای استان است. این عامل که در سطح استان در قالب شاخص‌هایی مانند اعتماد، صداقت، هویت و تعلق مکانی، رضایتمندی، مشارکت و ... بروز یافته، خود نشئت گرفته از بسترها و پیشینه فرهنگی استان است. در این ارتباط به‌ویژه اعتماد به نظام مدیریت و مسئولان محلی و نهادهایی که مردم انتخاب کرده‌اند (مانند شوراهای و نمایندگان مجلس) به‌عنوان نیرویی عمل می‌کند که امکان بسیج مردم را در زمینه‌های مختلف فراهم می‌کند. سطح بالای سرمایه اجتماعی در استان به‌ویژه سطح بالای اعتماد به نظام مدیریت و مسئولان محلی، عاملی بسترساز و تسهیل‌کننده برای پذیرش و اجرای برنامه‌های توسعه است؛ البته باید اشاره کرد برخلاف مطلوب بودن بسیاری از شاخص‌های ایجابی سرمایه اجتماعی (مانند اعتماد، صداقت، هویت و تعلق مکانی و ...)، چنین وضعیتی در درازمدت تحت‌تأثیر شاخص‌های سلبی قرار می‌گیرد که عموماً روندهای منفی را در سطح استان به نمایش می‌گذارد. به‌عبارت‌دیگر برخلاف اینکه در عصر حاضر شاخص‌های ایجابی سرمایه اجتماعی در مجموع در وضعیت مطلوبی قرار دارند و پیشران عمل می‌کنند، اما چنانچه برنامه‌ای جامع و راهبردی درخصوص نحوه برخورد

بدین‌صورت بر مبنای مجموعه مباحث مطرح‌شده، اینگونه استنباط می‌شود که در هر دو گروه از شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی، روندهای غالب سمت و سوی منفی داشته‌اند که نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب فرهنگی و اجتماعی در سطح استان است. براساس این، عوامل و فرایندهای فرهنگی و اجتماعی مانع و پیش‌برنده توسعه استان به‌صورت زیر استنتاج و نتیجه‌گیری می‌شود:

• عوامل و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی پیشران آمایش و توسعه استان

۱) مثبت‌بودن برخی از مؤلفه‌های فرهنگ کار (مانند محوریت کار در زندگی، ارزش کار) در سطح استان، ضمن اینکه وضعیت مطلوب کنونی در سطح استان در زمینه کار را بازگو می‌کند بدون شک نشانی از پیشینه معیشت ساکنان این استان در گذشته را نیز به نمایش می‌گذارد. اعتقاد به اینکه کار به‌طور ذاتی ارزشمند بوده است و در زندگی فردی و اجتماعی محوریت دارد در زمره مؤلفه‌های فرهنگی است که بسترساز هر نوع برنامه‌ریزی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی است. بدین‌صورت، فرهنگ کار در سطح استان خراسان شمالی به‌صورت یکی از عوامل فرهنگی پیشران آمایش و توسعه ایفای نقش می‌کند. هرچند گفتنی است حاکم‌شدن ارزش‌های مادی‌گرایانه بر کار تا حدودی از ماهیت

آن بروز برخی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی و در صورت شدیدتر شدن به شورش‌های اجتماعی منجر می‌شود. همچنین، ادامه روند کنونی در زمینه تعارضات موجود به وجود روح همکاری، تعاون و حاکمیت نظم بر بخش‌های مختلف جامعه تأثیرات منفی وارد کرده و حتی در درازمدت از هم پاشیده شدن روابط و تعاملات اجتماعی را منجر شده است و بر سرمایه اجتماعی موجود تأثیرات منفی می‌گذارد که از عوامل پیشران توسعه استان محسوب می‌شود.

۳) در حوزه اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل مانع آمایش و توسعه استان، غلبه هویت و تعلق محلی بر هویت و تعلق منطقه‌ای است. بدون شک این امر، تشدید اختلافات را به دنبال دارد (به طوری که در سال‌های گذشته این امر در قالب اختلاف و نزاع در خصوص تقسیمات سیاسی استان بروز یافته است)^۱. در واقع افزایش گرایش‌های محلی به ضرر گرایش‌های منطقه‌ای (استانی) از شکل‌گیری خواسته‌ها، گرایش‌ها و هویت منطقه‌ای (استانی) جلوگیری می‌کند که این امر بر برنامه‌های آمایشی استان تأثیر منفی می‌گذارد که بیشتر جهت‌گیری راهبردی، کلان، درازمدت و منطقه‌ای (استانی) دارد. نکته درخور توجه این است که برخلاف وجود سطح بالایی از تعلق محلی (که خود امری مثبت است)، این تعلق محلی نتوانسته است به حفظ برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی استان مانند تنوع زبانی کمک کند؛ زیرا یافته‌های پیمایش میدانی نشان‌دهنده نوعی یک‌دست شدن و ادغام زبانی (و به عبارت دیگر از بین رفتن زبان‌های قومی محلی) شده است. همچنین، وجود سطحی از جدایی‌گزینی قومی که نشانه نبود انسجام اجتماعی اقوام ساکن در استان است نیز غلبه هویت و تعلق مکانی محلی بر هویت و تعلق منطقه‌ای را به عنوان یکی از موانع توسعه مطرح می‌کند.

با آسیب‌ها و مسائل اجتماعی (که در واقع شاخص‌های سلبی سرمایه اجتماعی در سطح استان هستند) وجود نداشته باشد و روند کنونی ادامه یابد در درازمدت بر سرمایه اجتماعی به ویژه در زمینه اعتماد به نظام مدیریتی و مسئولان محلی تأثیر منفی بر جای می‌گذارد؛ زیرا سرمایه اجتماعی اگرچه مدت زمان زیادی طول می‌کشد تا شکل بگیرد، نابودی آن در کوتاه مدت نیز صورت می‌گیرد.

• عوامل و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی مانع آمایش و توسعه استان

۱) در بخش فرهنگی، نزول ارزش مقوله کار و حاکم شدن ارزش‌های مادی‌گرایانه بر کار در بین ساکنان استان یکی از عوامل فرهنگی مانع آمایش و توسعه استان برشمرده می‌شود. پایین آمدن ارزش کار و شکل‌گیری این اندیشه در بین دست‌کم بخشی از ساکنان استان که با کار و تلاش و بدون داشتن پول و پارتی نمی‌توان به جایی رسید، بسترهای بروز و ظهور برخی از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی مهم مانند دزدی، کلاهبرداری، رشوه‌پدازی و پارتی‌بازی را فراهم می‌کند و همچنین بر ساختار فعالیت‌های اقتصادی نیز تأثیر منفی می‌گذارد. از بین رفتن ارزش کار، نشانه ظهور برخی از فعالیت‌های اقتصادی غیرمولد و غیرمفید و در واقع ظهور فعالیت‌هایی قلمداد می‌شود که صرفاً در راستای کسب سود بیشتر هستند. همچنین، کاهش ارزش کار بر مقوله‌هایی مانند میل به پیشرفت و یادگیری تأثیر منفی می‌گذارد؛ امری که بر اساس یافته‌های میدانی در بین ساکنان استان مشاهده می‌شود.

۲) از دیگر عوامل فرهنگی مانع آمایش و توسعه استان، وجود تعارضات مختلف در سطح استان است. این تعارضات در سطح استان به شیوه‌های مختلف تعارض جنسیتی و قومیتی (هرچند در سطح محدود)، تعارض و نابرابری اجتماعی، باور به وجود تبعیض در جامعه، اختلاف و چنددستگی، افزایش فاصله طبقاتی و موارد مشابه بروز یافته است که در سطح زیادی به کاهش انسجام اجتماعی و به تبع

^۱ نمونه این امر در اعتراضات و درگیری‌های سال ۱۳۹۲ در خصوص جداشدن بخش راز و جرگلان از شهرستان بجنورد و تبدیل شدن آن به شهرستان مشاهده می‌شود.

شعبانی، ا. و سلیمانی، م. (۱۳۸۸). «سنجش و رتبه‌بندی سطح سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور (سال ۱۳۸۷)»، *دوفصلنامه علمی و تخصصی مطالعات اقتصادی اسلامی*، س ۲، ش ۲، ص ۹۵-۱۱۹.

عنبری، م. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ*، تهران: انتشارات سمت.

فرجی‌راد، خ. و کاظمیان، غ.ر. (۱۳۹۱). *توسعه محلی و منطقه‌ای از منظر رویکرد نهادی*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

فلوریدا، ر. (۱۳۹۰). *شهرها و طبقه خلاق*، ترجمه: انصاری، ا. و انصاری، م.ا، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

مرکز ملی آمایش سرزمین. (۱۳۸۵). *راهنمای انجام مطالعات برنامه آمایش استان*، جلد اول (ویرایش دوم).

مهندسین مشاور آمایش و توسعه البرز. (۱۳۹۴). *برنامه آمایش استان خراسان شمالی: تحلیل اجتماعی و فرهنگی*، سازمان برنامه و بودجه استان خراسان شمالی: منتشر نشده.

ویر، م. (۱۳۷۳). *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری*، ترجمه: رشیدیان، ع.ا. و منوچهری کاشانی، پ. با مقدمه‌ای از گیلدنز، آ.، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Callois, J.M. Aubert, F. (2007) "Towards Indicators of Social Capital for Regional Development Issues: The Case of French Rural Areas", *Regional Studies*, 41:6.

Camagni, R. (2009) *Territorial Capital and Regional Development*, in Capello, R. and Nijkamp, P., *Handbook of Regional Growth and Development Theories*, Edward Elgar Publishing Limited.

Evans, B. Marko, J. Sundback, S. and Theobald, K. (2005) *Governing sustainable cities*, Earthscan, London.

Gardiner, B. Martin, R. and Tyler, P. (2006) *Competitiveness, Productivity and Economic Growth Across the European Regions*, in Martin, R., Kitson, M. and Tyler, P., *Regional Competitiveness*, Routledge.

Haughton, G. and Counsell, D. (2004) *Regions, Spatial Strategies and Sustainable Development*, Routledge.

۴) وضعیت نامطلوب بیشتر شاخص‌های سلبی سرمایه اجتماعی در سطح استان و به عبارتی وجود سطح بالایی از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی نیز معلول برخی علل دیگر است؛ اما در صورت تداوم و افزایش چنین آسیب‌هایی به مانعی مهم در مسیر آمایش و توسعه استان تبدیل می‌شود. به‌طور مثال ادامه روند کنونی در زمینه بیکاری به آسیب‌هایی مانند اعتیاد و دزدی و امثال آن دامن می‌زند و افزایش می‌دهد. افزایش این آسیب‌ها به نوبه خود آسیب‌هایی در حوزه خانواده (مانند افزایش طلاق، افزایش کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست، فرار از خانواده و به‌طور کلی از هم پاشیده شدن خانواده) را به دنبال دارد. وجود آسیب‌های مواجه با خانواده، مشکلات و دغدغه‌های فکری و ذهنی را برای بخش چشمگیری از جامعه به بار می‌آورد و از این طریق بر فرایند توسعه تأثیرات منفی می‌گذارد. همچنین، وضعیت نامطلوب شاخص‌های سلبی سرمایه اجتماعی در سطح زیادی قابلیت اعتماد محیط و محل زندگی را پایین می‌آورد که این امر، مهاجرت طبقات و گروه‌های توانمند ساکن در استان (توانمند چه از نظر فکری و اقتصادی) به استان‌های دیگر را به دنبال دارد و بر توسعه استان تأثیر منفی چشمگیری می‌گذارد؛ زیرا با مهاجرت طبقات و گروه‌های توانمند، افراد و گروه‌هایی باقی می‌مانند که اصولاً توانایی بر عهده‌گرفتن بسیاری از مسئولیت‌هایی را ندارند که توسعه می‌طلبند. بدین صورت، وضعیت نامطلوب شاخص‌های سلبی سرمایه اجتماعی نیز یکی از عوامل اصلی اجتماعی مانع آمایش و توسعه در سطح استان است.

منابع

ازکیا، م.؛ احمدرش، ر. و دانش مهر، ح. (۱۳۹۲). *توسعه و مناقشات پارادایمی جدید*، جلد اول، تهران: انتشارات کیهان.

سیاهپوش، ا. (۱۳۸۷). «فراتحلیل مطالعاتی سرمایه اجتماعی در ایران»، *راهبرد فرهنگ*، ش ۳، ص ۱۰۵-۱۱۵.

- Iyer, S. Kitson, M. and Toh, B. (2005) "Social Capital, Economic Growth And Regional Development", *Regional Studies*, 39:1016.
- Marek, T. Martinec, T. (2003) "The Use of Social and Cultural Potentials in Regional Development", *AGRIC. ECON. – CZECH*, 49 (12):580.
- Martin, R. Kitson, M. and Tyler, P. (2006) *Regional Competitiveness*, Routledge.
- Miles, S. Paddison, R. (2005) "Introduction: The Rise and Rise of Culture-led Urban Regeneration", *Urban Studies*, 42(5-6):833-839.
- Oakes, T. (2006) "Cultural Strategies of Development: Implication for Village Governance in China", *The Pacific Review*, 19(1):13-37.
- OECD. (2005) *Culture and Local Development*, OECD Publishing.
- Pike, A. Rodriguez-Pose, A. and Tomaney, J. (2006) *Local and Regional Development*, Routledge.
- Putnam, Robert D. (1993) *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton University Press.
- Sedlacek, S. and Gaube, V. (2010) "Regions on Their Way to Sustainability: the Role of Institutions in Fostering Sustainable Development at Regional Level, Environment", *Development and Sustainability*, 12:122.
- Wheeler, S. (2002) "The New Regionalism: Key Characteristics Of An Emerging Movement", *Journal of the American Planning Association*, 68(3):269.